



مبتنی است، یکنواخت و خسته کننده نمی شود و تا خواننده بخواهد احساس خستگی کند، وارد حس بعدی شده است. این اتفاق خواننده را تا پایان همراه متن نگاه می دارد.

شکار حواس

متنی را برای بچه ها تکثیر کنیم و در اختیارشان قرار دهیم. این متن می تواند صفحه های از یک داستان، یا بریده ای از یک روزنامه باشد. اگر این امکان را نداریم، صفحه های از کتاب را که در آن از یک یا چند حس استفاده شده، در کلاس بخوانیم و از بچه ها بخواهیم هر جا از حس بینایی استفاده شده است، یک ضربه روی میز بزنند. برای حس شنوایی دو ضربه، حس بویایی سه ضربه، حس لامسه چهار ضربه و حس چشایی پنج ضربه روی میز بزنند. اگر این فعالیت مزاحم دیگر کلاس ها باشد، می توانند برای اشاره به حس بینایی انگشت اشاره را بالا ببرند، حس شنوایی انگشت وسط، حس بویایی انگشت چهارم، حس لامسه انگشت کوچک تا به حس چشایی می رسند که نوبت به بالا بردن انگشت شست می شود. فراموش نکنیم، این بازی اگر چه اولش سخت و وقت گیر است، اما برای همیشه در ذهن دانش آموزان می نشاند که از پنج حس خود استفاده کنند.

کف دست

کف دست خود را روی تخته بگذاریم و با گچ یا ماژیک شکل کف دست و انگشتان را روی تخته رسم کنیم. از بچه ها بخواهیم آن ها هم شکل کف دستشان را روی صفحه ای از دفترشان بکشند. اکنون مثل تمرین بالا، انگشتان را به نام حواس نام گذاری کنند؛ هر کدام به یک نام. حالا پنج قطعه ی زیر را به بچه ها بدهیم یا برایشان بخوانیم و بگوییم

حواس ورزی

۳۶ فعالیت نگارشی برای تقویت انشانویسی در دوره ی دوم ابتدایی (قسمت سوم)

برای آن دسته از دانش آموزانی که علاقه ی بیشتری به نوشتن دارند و موضوع های کتاب آن ها را قانع نمی سازد، در هر شماره از مجله ی رشد آموزش ابتدایی فعالیت هایی چاپ می شود که انجام آن ها برای آنان مفید است و تنوع را به کلاس انشا باز می گرداند.

فراموش نکنیم، هر اندازه در کلاس انشا و نگارش تنوع بیشتری ایجاد شود، همراهی بچه ها در نوشتن افزایش می یابد. البته انتظار نیست همه ی دانش آموزان کلاس به یک اندازه به نوشتن علاقه داشته باشند، اما انتظار داریم با فراهم کردن محیط مناسب تر، دانش آموزان بیشتری به نوشتن روی خوش نشان دهند. همان طور که همه ی بچه ها به یک اندازه از خوش نویسی استقبال نمی کنند یا همه به طور یکسان از زنگ ورزش لذت نمی برند یا حتی از اردو هم همه به یک میزان شاد نمی شوند؛ در زنگ نگارش همین تفاوت به چشم می خورد. باید کاری کرد که بچه ها احساس اجبار نکنند و فکر نکنند برای نوشتن گرفتار چند موضوع تکراری هستند. از این رو، با پیشنهاد های حاضر، شاید تعداد بیشتری از بچه ها با رغبت مشارکت کنند. در این شماره، به پرورش حواس پرداخته شده که برای کلیه ی دانش آموزان ابتدایی مفید است.

پرورش حواس

اگر به نوشته های مطبوعات سری بزنیم، می بینیم اغلب نوشته ها با استفاده از حس بینایی نوشته شده اند. اگر کتاب ها را هم بررسی کنیم، باز سهم حس بینایی چند برابر بیشتر از بقیه ی حواس است. نویسندگان مطبوعات و کتاب ها در مدرسه های ما تربیت شده اند. اگر در مدرسه یاد بگیرند همه ی حواس خود را در متن درگیر کنند، بعدها در بزرگسالی هم وقتی در مطبوعات قلم به دست می گیرند، علاوه بر بینایی، از حواس چشایی، لامسه، شنوایی و بویایی هم در نوشته شان بهره می گیرند. وقتی کتاب می نویسند هم از این حواس کمک می گیرند. شاید من و شما هم به خاطر تربیتی که از مدرسه با خودمان داریم، بیشتر نوشته هایمان بر حس بینایی متمرکز است. نه اینکه نباید از بینایی استفاده کنیم، خیر، بلکه باید به اندازه استفاده کرد و حق بقیه ی حواس را هم ادا کرد. نوشته ای که بر حواس گوناگون



* دو طرف راهرو پر از ویتربین بود. تو ویتربین‌ها همه‌جور چیزی بود؛ اسباب‌بازی بچه، خمیر مجسمه، حشره‌کش، داروهای گیاهی، شامپو، رب گوجه‌فرنگی، نوشابه، روغن نباتی، شیرخشک، کرم، پودر، لیوان یک‌بار مصرف، جعبه‌ی بیسکویت، همه‌جور مربا و... (ص ۳۸)

* صدای غریچ غریچ و باز و بسته شدن در دستشویی می‌آمد. صدای قورت قورت آب خوردن پدر خانم زینلی سکوت نیمه‌شب آپارتمان را می‌شکست. (ص ۷۲)

* بوی سبزه و علف همه‌جا را پر کرده بود. به این بوها حساسیت داشت. عطسه‌اش گرفت. یکی، دو تا، پنج تا، ده تا... سریع از پارک رفت. بیرون. دور و دورتر شد تا دیگر بوی سبزه را نشنود تا دیگر عطسه نکند.

کتاب داستان

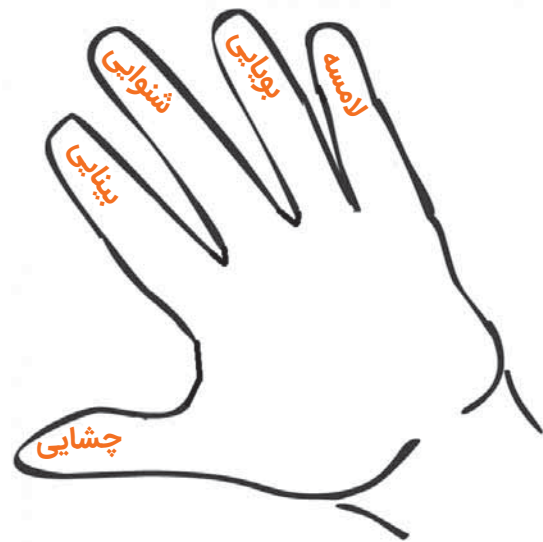
از بچه‌ها بخواهیم هر کدام کتاب داستانی از منزل بیاورند. می‌توانند از کتابخانه‌ی مدرسه هم امانت بگیرند. نیمی از یک زنگ نگارش را به خوانده شدن کتاب‌ها در کلاس اختصاص دهیم. هر کس آرام کتابش را بخواند. بعد مثل تمرین شکار حواس، دوباره حواس را شماره‌گذاری کنیم. حالا از بچه‌ها بخواهیم اگر کتاب برای خودشان است، در حاشیه‌ی آن، هر جا به هر حسی رسیدند، با عدد مربوط آن را نشان دهند. اگر کتاب امانت است، در برگه‌ای، به شماره‌ی صفحه و عدد حواس اشاره کنند. اکنون نیم دیگر ساعت نگارش را به این اختصاص دهیم که بچه‌ها مواردی را که انتخاب کرده‌اند در کلاس بخوانند و بقیه هم گوش کنند ببینند انتخاب او درست بوده است یا نه.

در همین جا می‌توان به ارزش کتاب‌هایی که در آن‌ها نویسنده به حواس بیشتری پرداخته است اشاره و اهمیت آن را گوشزد کرد. فراموش نکنیم، با چنین تمرین‌هایی، بچه‌ها نسبت به حواس خود حساس و کم‌کم به استفاده از آن‌ها در نوشته‌ی خود تشویق می‌شوند.

هر گروه یک حس

می‌توان کلاس را بر اساس علاقه‌ی بچه‌ها به پنج حس تقسیم کرد. با گشتی در حیاط مدرسه، به هر گروه مسئولیت می‌دهیم تا مطالب مربوط به هر حس را به صورت گروهی بنویسند. گروه بینایی مطالب مربوط به حس بینایی را می‌نویسند و در کلاس می‌خوانند. گروه شنوایی و بقیه‌ی گروه‌ها هم همین‌طور. خود ما هم می‌توانیم به صورت فعال در همه‌ی گروه‌ها حضور داشته باشیم و موانع پیش رو را پیش‌بینی و برطرف کنیم.

کلاس نگارش فرمول ثابتی ندارد. بسته به موقعیت مدرسه، بسته به موقعیت شهر و استان و با توجه به وضعیت دانش‌آموزان کلاس، باید ابتکار به خرج دهیم و آن را برای بچه‌ها شیرین کنیم. وقت نگارش را صرف املا، ریاضی و علوم نکنیم که بچه‌ها به کسب مهارت در نوشتن بسیار نیازمند هستند. کمک کنیم تا جامعه در این بعد پیشرفت کند. نویسندگان و روزنامه‌نگاران برجسته‌ای تحویل اجتماع دهیم. ان‌شالله.



هر قطعه مناسب هر حس و انگشت بود، آن را رنگ کنند. از قبل هم رنگ‌ها را مشخص کنیم که چه رنگی برای چه حسی و برای کدام انگشت استفاده شود. می‌توان از بچه‌ها خواست هر بار یکی از آن‌ها نمونه‌های زیر را بخواند و بقیه انگشت مربوط را رنگ بزنند. این نمونه‌ها از کتاب مرئی شیرین هوشنگ مرادی کرمانی (نشر معین، چاپ بیست‌وپنجم) انتخاب شده‌اند؛ البته به جز مورد پنجم.

* مادر در شیشه‌ی مربا را زیر شیر آب گرم گرفت؛ گرداند. آب داغ انگشت‌هایش را سوزاند، به روی خودش نیاورد. دست‌هایش به گرمی و سردی عادت داشت. (ص ۸)

* مردم که مربا نمی‌خرند پشت شیشه‌اش را لیس بزنند تا دهانشان شیرین شود. می‌خواهند بخورند، کره بگذارند لای نان، بعد مربا بگذارند روی کره و لقمه را بگذارند تو دهانشان و بجوند. تمام شد و رفت. (ص ۲۶)